

**رئیس جمهور مبتکر و هنرمند؟! بحران می آفریند!**  
**در هیاهوی ساختگی فعالیت امورهسته ای آنچه بدست فراموشی سپرده می شود نقض آزادی و دموکراسی در ایران است!**

در حکومتی اسلامی که سلطنت و خلافت درهم آمیخته است مهره هایی مانند احمدی نژادها ( همچون هویداها) دارای اختیار و ابتکاری نیستند فقط در نهایت بی شخصیتی تصویری از «خدایگان و بندگان» را به نمایش می گذارند.

احمدی نژاد نوچه و ملیجک رهبری با یاری محمد خاتمی سرسپرده ولایت (در آخرین روزهای ریاست جمهوری اش) با عنوان از سرگرفتن فعالیت هسته ای در رسانه های همگانی جهان غوغا و بحران آفریده اند تا موجودی عقب افتاده مانند احمدی نژاد به عنوان قهرمان حل بحران به میدان بیاید و حل معما کند، چنانکه خود نیز گفته که طرحی ابتکاری دارد که بزودی آن را آشکار خواهد کرد و سد البته جهان و جهانیان را از نبوغ خود حیران خواهد فرمود.

### هدف از بحران سازی چیست ؟

ملایان به ویژه پس از دوم خرداد نیک دریافته اند که تسلط بر مردم فقط با زور امکان پذیر نیست. حکومت ها حقانیت خود را یاباید به شیوه ای خردمندانه از مردم و قانون و پارلمان بگیرند یا باید بر تقدس رژیم و فرهمندی (کاریزمای) رهبر تکیه کنند. پس از 27 سال فجایع و فساد حکومت اسلامی از هیچ تکیه گاه قابل قبولی برخوردار نیست. خواب نما شدن آیات عظام و تقریر نام نمایندگان مجلس و برگزیدگی احمدی نژاد توسط امام دوازدهم بیش از آن نخ نما شده است که بتوان کسی را با آن فریفت. به همین سبب باید با مردم ایجاد رابطه کرد؛ سیاست ملایان در برقراری این رابطه داخل بر پایه ی جلب رضایت مردم با شعارریاکارانه عدالت اجتماعی است که امیدوارند با پول باد آورده نفت به نحوی بدست آورند و در خارج بر پایه به اصطلاح استقلال و دفاع از منافع ملی است. دیدگاه حکومت اسلامی که عدالت اجتماعی را از نوع ابتدایی مانند چپاول اموال مردم، تاراج ذخایز ملی و مهم تر از همه نفت و تقسیم آن به عنوان غنیمت آنها عمدتا در میان هواداران خود می شناسد و استقلال را نیز با نگاهی دشمن ساز می نگرد که ثمری جز خرابی و ویرانی بیارنخواهد آورد. ( سابقه این نوع نگرش در گذشته فجایعی مانند قرارداد الجزایر در مورد گروگان گیری سفارت

آمریکا و جنگ هشت ساله با عراق - که غرامت آن هم تا کنون گرفته نشده است- و ... بیار آورده است)

### **ولی فقیه در پناه این بحران به سازش با آمریکا و اروپا مشغول است!**

با همه هیاهوی برپا شده، ایران متعهد است محصولات خود را در امور هسته ای به بازرسی ماموران شورای امنیت بگذارد و فعالیت دوباره تاسیسات اصفهان نباید منتهی به ساختن بمب اتمی شود، و اروپا و آمریکا نیز از تصمیم فرستاده شدن پرونده به شورای امنیت خودداری کرده اند و بیاد بیاوریم که چندی پیش سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) طی گزارشی به سنای آمریکا اعلام کرد که ملایان برای دستیابی به بمب اتمی به ده سال وقت نیاز دارد. بدین ترتیب هر دو طرف می دانند مساله جدی نیست و تنها موردی که بصورت جدی برای رژیم ایران مطرح است همان حفظ موجودیت خود و تائید رژیم از جانب آمریکا است.

البته حوادث جهانی و آرایش قدرت ها و تضاد منافع چین و روسیه و حتا اروپا با آمریکا و مستاصل ماندن آمریکا در عراق به سود ملایان عمل کرده است. چنانچه به گفته حسین موسویان از اعضای تیم هسته ای با مهلت یکساله ای که اروپا برای حکومت اسلامی خرید آنها توانستند تجهیزات اصفهان را راه اندازی کنند.

اما شگفت انگیز اینکه در مساله مجهز شدن به سلاح اتمی حکومت اسلامی توانسته است برخی از روشنفکران را با خود همراه و متحد کند.

آیا مجهز شدن حکومت اسلامی به سلاح بمب اتمی حکایت تیغ در دست زنگی مست نیست؟  
بنگرید ملایانی که تا دیروز دوچرخه، رادیو، تلویزیون و هزاران پدیده ی مفید و مدرن را دشمن دین می دانستند چگونه به یکباره عاشق سلاح کشتار جمعی و بمب اتمی شده اند؟

### **در غوغای فعالیت های هسته ای فریاد ملت ایران برای آزادی و دموکراسی شنیده نمی شود!**

ساختن بمب اتمی چه سودی برای حکومت دارد؟ بمب اتمی که نمی تواند مصرف داخلی داشته باشد چون جان خود حاکمان را به خطر می اندازد و اگر مقصود اسرائیل باشد که تکنولوژی اسرائیل بسیارمجهزتر است و دست بالا دارد و ملایان نمی توانند این خطر را بجان بخرند. اگر هدف از آن استفاده برای انرژی باشد که اروپا آنرا پذیرفته که کمک برساند. پس تنها هدف از این بحران سازی فراموش ساختن دموکراسی و آزادی و درسایه قرار دادن ظلم و ستمی است که به ملت

ایران می شود. در هیاهوی این مانور پر نیرنگ است که اعتراض دانشجویان، روزنامه نگاران و اکبر گنجی ها و منوچهر محمدی ها و دیگر زندانیان سیاسی که در اعتصاب غذا به سر می برند و حتا وکیلان زندانیان سیاسی که به زندان افتاده اند گم می شوند. یا کشتار فجیع و بی رحمانه مردم در کردستان در روز روشن نادیده گرفته می شود.

در پناه این بحران سازی است که کابینه امنیتی احمدی نژاد از قاتلان و آدمکشان اطلاعات و امنیت رژیم تشکیل می شود. حکومتی که از رهبرش تا احمدی نژاد و کابینه اش بی آبروست؛ با عقلایت بیگانه است و اطاعتی بدون چون و چرا را طالب است.

در سایه این غوغا آفرینی است که احمدنژاد با لیسیدن دست خامنه ای اراجیفی از قبیل: «حقوق بشر مهوع است.» «زندگی اسلامی بهترین نوع زندگی برای بشریت است.» «پافشاری بر اصول !!؟ (اسلامی) امنیت را تامین می کند.» بر زبان جاری می سازد.

آش چنان شور شده که تئوریسین های حکومت اسلامی همچون زیبا کلام ها را برآن داشته که صریحا تذکر بدهند که «بهرتر است احمدی نژاد دو گونه صحبت کند یکی برای داخل و دیگری برای خارج.» (واقعا که این حضرت «اصلاح طلب» هم کم شاهکار ندارد به مصداق کلام الملوک، ملوک الکلام! اگر کلام زیبا می خواهید از زیبا کلام بشنوید)

احمدی نژاد ریاست جمهوری خود را بیش از همه به خاتمی مدیون است، زیرا وی گام به گام به ولایت فقیه نزدیک شد تا آنجا که در این اواخر اکنون فرقی بین خاتمی و یک هیات متلفه ای دیده نمی شد. اینکه احمدی نژاد از حکومت اسلامی دم می زند عجیب نیست برای اینکه در عمل ولایت فقیه همه کاره است و بر مسند خلافت تکیه کرده است و «انتخابات» مضحکه ای بیش نیست. چنانکه هیچ چیز هم تفاوت چندانی با دوره ی خاتمی در عمل نکرده است. احمدی نژاد خیلی که تند برود به حجاب و چادر زنان متوسل خواهد شد و اگر نه کار دیگری نمی تواند بکند.

خاتمی بزرگترین دستاورد ما پس از انقلاب را که همانا تجلی اراده و وحدت ملت ما برای اصلاحات از طریق مسالمت آمیز بود بباد داد. این فرصت برای «اصلاح طلبان» و به ویژه برای خاتمی دست داده بود که واقعا تبدیل به جناحی در داخل رژیم گردند.

## بحران به کجا می انجامد؟

در صورتی که این رژیم موفق شود با این بحران به سازشی با آمریکا دست یابد خواستار امنیتی گورستانی است که ثمری جز انفجاری ناگهانی در داخل نخواهد داشت. کم شدن فشار خارجی و سازش با آمریکا و اروپا نیز به معنای محترم شمردن حقوق ملت ایران نیست و مانع از آن نخواهد شد که برای مثال اسرائیل نقاط استراتژیک ایران را مورد حمله قرار ندهد و یا مداخله خارجی کاملا

منتفی گردد. حکومتی که بر مردم تکیه ندارد خواه ناخواه باید به خارجی امتیاز بدهد تا امنیت داخل را تامین کند.

اسرائیل نیز تنها کشوری است در منطقه که مورد تهدید مستقیم جمهوری اسلامی است و نمی تواند به این مساله بی تفاوت بماند. آمریکا نیز درحالی که با متحدان خود مصر و عربستان سعودی برای تغییر در خاورمیانه اختلاف دارد نمی تواند شاهد پایداری تنها حکومت بنیادگرای شیعه باشد که تا حال مسبب بسیاری مصایب در لبنان و فلسطین و سایر نقاط خاورمیانه بوده است. اسرائیل با تخلیه شهرک های ساخته شده در غزه یک قدم به نقشه راه آمریکا نزدیک تر شده ، هیچ بعید نیست اگر آمریکا نتواند حکومت اسلامی را تغییر بدهد کمر به تجزیه ایران ببندد و بحران از فلسطین به ایران انتقال یابد و ما شاهد سالیان دراز جنگ شیعه و سنی و برادر کشی در ایران باشیم.

احمدی نژاد ناچار است با هیات پاسداری خود و ته ریش تظاهر به چپ گرایی اسلامی کند ولی در عمل از راست براند، گرچه احمدی نژاد و حامیانش خواب بازگشت سال های 60 را می بینند ولی نه در داخل و نه در خارج نمی توان چون گذشته راند. حکومت امنیتی - اسلامی احمد نژاد با جامعه ایران بسیار در تضاد است. اگر خاتمی پرده دار ولی فقیه بود و آبروی خویش را در راه اصلاحات ادعایی باخت، احمدی نژاد افتابه دار ولایت فقیه و رئیس جمهور نابینایی است که نیاز به چراغ هم ندارد و می خواهد با تندروی خاص خود به دره سقوط کند و کشوری را نیز با خود به نابودی بکشاند، زیبا کلام ها هم نمی توانند سخنان او را رتوش کنند. او در حال حاضر با استخاره مشغول تعیین وزیر نفت است!! (کجایی شاه سلطان حسین که یادت بخیر!!) و از یاد نبریم که همین چند روز پیش او در ملاقات با هنرمندان ریش جنبانده است که هنرمند واقعی کسی است که بمب و نارنجک به خود ببندد و آن را منفجر کند؟! ما که بخیل نیستیم ، امیدواریم در آینده ای نه چندان دور شاهد چنین «هنرنمایی» بدیعی از خود جناب رئیس جمهور باشیم .

سی و یکم اوت 2005 - 9 شهریور 1385 استکهلم

---